

مقطع تحصیلی: **کاردانی** کارشناسی رشته: **روابط عمومی**. ترم: **نیمسال دوم**... سال تحصیلی: ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹

نام درس: **رسانه شناسی** نام و نام خانوادگی مدرس: **دکتر هما صدقی جلال**

آدرس email مدرس: hshedghijalal@gmail.com تلفن همراه مدرس:

دانشجویان محترم جهت استفاده از فایل صوتی مباحث به آدرس ایمیل ذکر شده شماره تلفن خود را اعلام نمایید.

جزوه درس: **رسانه شناسی** مربوط به هفته: اول دوم سوم... جلسه چهارم جلسه پنجم.. جلسه ششم

text: دارد ندارد voice: دارد ندارد power point: دارد ندارد

تلفن همراه مدیر گروه: ۰۹۱۲۴۰۵۸۷۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

مارشال مک لوهان و رسانه ها



آرای مارشال مک لوهان درباره رسانه ها نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد و علاوه بر تاثیر گذاری وسیع باعث شد تا نگرش تازه ای در قبال مطالعه رسانه ها پدید آید. مع هذا آرای وی از همان هنگام از سوی طیفی از منتقدین نظیر الیزابت ایزنشتین به چالش طلبیده شد. مک لوهان، متفکر معاصر کانادایی بیش از هر نویسنده دیگر در روزگار ما به ارتباط بخصوص وسایل ارتباط جمعی توجه دارد. نظریات وی در این زمینه چنین است:

• ارتباط مدار تطور تاریخی اجتماعی یا (کهکشان های ارتباطی)

مک لوهان معتقد است قرن ما قرن ارتباطات است و به واسطه وسایل ارتباط جمعی جهان ما کوچکتر آگاهی ها

بیشتر و قدرت نفوذ صاحبان رسانه بیشتر شده است و در حال حاضر قدرت هر نظام وابسته به تعداد وسایل ارتباطی است که در اختیار دارد. به نظر این دانشمندان، ارتباط مدار هستی اجتماعی است و با توجه بدان می توان حرکت جوامع را مورد ارزیابی و دقت قرار داد. حرکت تاریخ به نظر او از روزنه ارتباط در طی سه مرحله صورت می گیرد و بنا به این نظریه می توان گفت ارتباطات و ابزارهای مورد استفاده آن تاریخ بشر را به سه دوره تقسیم کرده است:

۱- دوران تمدن باستانی بدون خط یا (کهکشان شفاهی): در طی این دوران دانستنی ها سینه به

سینه انتقال می یابند، گوش وسیله کسب پیام است و تماس انسانها موجبات احراز و انتقال پیامها را فراهم می آورد. در نتیجه ارتباط شفاهی زندگی به صورت قبیله ای و در گروه های کوچک انسانی شکل گرفته است و در نتیجه فرهنگ های خاص ناشی از ارتباط شفاهی به وجود آمده است ما در این دوران شاهد نقل اشعار افسانه های باستانی و نمایش های تراژیک هستیم.

۲- دوران تمدن دارای خط یا بصری (کهکشان گوتنبرگ): به نظر مک لوهان پیدایی خط و

کتابت نقطه عطفی در تاریخ ارتباطات و به تبع آن تاریخ جوامع انسانی است. چه از این طریق امکان بقای واقعی پیام انسانی فراهم می شود. تجربه ها، مهارتها و یافته های انسانی به جای آنکه دچار فرسایش ناشی از انتقال سینه به سینه شوند، به دقت به نگارش می آیند، می مانند و موجب بقای نام صاحب اندیشه می شوند. در این دوران برخلاف دوران پیشین انسانها نیازمند تجمع برای کسب پیام و اندیشه نیستند، بلکه می توانند در خلوت و در خانه های خود پیام دانشمندان را بخوانند و بدانند، پس دوران نو، به معنای ظهور فردگرایی است. همانطور که مظهر پیدایی انسان گرایی و اصالت انسانیت است. بنابراین در کهکشان گوتنبرگ با اختراع چاپ و الفبا ارتباط شفاهی کمتر می شود و ما شاهد سبک دیگری از زندگی می شویم که در نتیجه آن فردگرایی (میسر شدن تجربه فردیت و برقراری

ارتباط در فواصل زمانی و مکانی به دلیل این که هر فردی به تنهایی نوشته ای را می خواند و با متن ارتباط برقرار می کند. چاپ فناوری فردگرایی است، **ملی گرایی** (به دلیل غلبه احساسات و گرایشهای ملی بر تعلقات محلی و قبیله ای و شکل گیری هویت منسجم و واحد بر اساس تاریخ، جغرافیا و زبان که محصول چاپ و تبدیل گویش های متعدد گفتار به رمز واحد و مسلط خط و نوشتار است)، صنایع جدید و آموزش به شکل مدرسه ای را شاهد می شویم .

۳- دوران تمدن مبتنی بر وسایل ارتباطی الکترونیک یا کهکشان مارکونی: دوره ای هست که

در آن رادیو و تلویزیون اختراع می شود، دوره وسایل الکترونیک. در این دوره انسان تحت تاثیر وسایل ارتباطی الکترونیک مثل رادیو و تلویزیون وارد مرحله جدیدی از زندگی می شود و وسایل الکترونیکی به انحصار ارتباط چاپی که فقط حس بینایی را درگیر می کند پایان داد. به نظر مک لوهان در این دوران بشر پای به عصری نو می گذارد. وسایل ارتباطی جدید از سویی امتداد چشم و گوش هر دو را فراهم می سازند و از سوی دیگر باز تمع انسانها را در کسب و انتقال پیام موجب می شوند. پس دوران سوم نوعی بازگشت به دوران اول را موجب میشود، هر چند که به هیچ وجه به معنای تکرار آن نیست.

• نظریه امتداد

به اعتقاد مک لوهان رسانه ها امتداد حواس و کارکرد های ما هستند. یعنی هر وسیله ارتباطی امتداد یکی از حواس انسان است. خط امتداد چشم و رادیو امتداد شنوایی است. به بیان دیگر با پیدایی خط انسان توانست به عمق تاریخ رخنه کند و دنیای دوردست ها را ببیند ، همانطور که در زمان خود با انسانهایی که فرسنگها از او دور هستند آشنا شود. باید اضافه کرد که از نظر مک لوهان این ویژگی صرفاً از آن وسایل ارتباط جمعی نیست،

بلکه همه وسایل چنین اند. به عنوان مثال از دیدگاه او چرخ امتداد پاست، همان طور که لباس امتداد پوست است. اینها روابط ما را با محیط مان تغییر می دهند- و غالباً آن را آشفته می کنند. در نتیجه، این رابطه ی میان انسان و محیط پیرامونش (محیطی که انسان های دیگر را هم در بر می گیرد) به خودی خود بسیار مهم تر از نتایج بلافصل و ثمرات آن است. او در جستجوی جامعه ای است که در آن شاهد اضمحلال تعادل حواس نشویم، یعنی با ابداع یا اختراع وسیله یا وسایلی یکی از حواس سخت بر حواس دیگر پیشی نگیرد و موجبات برهم خوردن نظم و تعادل در حیات انسانی نشویم.

• نظریه "رسانه، یک پیام است"

مارشال مک لوهان عامل اساسی تحولات تاریخی و اجتماعی را نظام های ارتباطی و نوع رسانه در انتقال پیام می داند. به نظر او، عامل اول یعنی نظام ارتباطی، تعیین کننده عامل دوم یعنی محتوای پیام است. او مبانی اساسی نظریه خود را در یک جمله بیان می کند: رسانه، پیام است. این بدین معنی است که مک لوهان فقط معتقد به این نیست که وسیله ارتباطی فقط حامل پیام است بلکه علاوه بر آن خود رسانه مظهر و پیام یک عصر است که با آن دنیایی دیگر و انسان هایی دیگر بوجود می آیند. حامل پیام که همان وسیله ارتباطی است تنها رسالت انتقال پیام را ندارد بلکه خودش مظهر و پیام یک عصر است که با آن دنیایی دیگر و انسان هایی دیگر بوجود می آید. وسیله ارتباطی ارزش بیشتری از پیام و محتوای پیام دارد. مک لوهان معتقد است جوامع بر اثر وسایل ارتباطی شکل گرفته اند تا در نتیجه محتوای ارتباط.

وی با توجه به تغییرات اساسی نظام های ارتباطی، اشکال و مراحل سه گانه متوالی زندگی اجتماعی را طبق جدول زیر چنین ترسیم نموده است.

دوره	وسیله ارتباط	رسانه مسلط	برهه زمانی
قبیله ای	شفاهی	گفتار / صدا	قبل از ۱۵۰۰ میلادی
قبلیه زدایی	مکانیکی / ماشینی	چاپ	۱۹۰۰ - ۱۵۰۰ میلادی
قبیله ای شدن مجدد	الکترونیکی	رادیو تلویزیون	بعد از ۱۹۰۰ میلادی

او معتقد است در هر دوره رسانه امتداد یکی از حواس انسان شده است.

دوره اول: پیام از طریق بیان شفاهی و دریافت شنوایی یا سمعی منتقل می‌شود به این دلیل ارتباطات چهره به چهره و صمیمانه بیشتر می‌باشد. فرد خودش را بی واسطه در محیط طبیعی خویش قرار می‌دهد و خود را با گروه اجتماعی یعنی قبیله ادغام می‌کند.

دوره دوم: پیام از طریق چاپ و نوشتار و دریافت بینایی منتقل می‌شود، حس قالب حس بینایی است. ارتباط از حالت صمیمانه و رودرو خارج و به وسیله مجاری ارتباطی میسر می‌شود و این شیوه ارتباطی جدید باعث جدایی انسان از محیط اجتماعی خویش یعنی قبیله می‌شود.

دوره سوم پیام از طریق وسایل الکترونیک منتقل می‌شود کسب اعتبار مجدد بیان شفاهی را شاهد هستیم رجعت به نظام قبیله ای اما در یک سطح جهانی.

پس در واقع ارتباطات جمعی در دو معنای مصطلح به کار رفته است:

- ۱- وسیله یا حاملی که چیزی از طریق آن جریان می‌یابد (اطلاعات).
- ۲- دو در معنای چیزی که **محتوایش** بیشتر معطوف به عمل یا فعل است به این معنی که گاهی خود رسانه می‌تواند به عنوان یک عامل موثر و تاثیرگذار بر وقایع یا رخدادها باشد.

سوال

- ۱- نظریه کهکشان ارتباطی مربوط به کدام نظریه پرداز است؟ به طور کامل تعریف و مراحل آن را توضیح دهید؟
- ۲- دوره تمدن باستانی بدون خط یا کهکشان شفاهی مک لوهان را توضیح دهید؟
- ۳- دوره تمدن دارای خط یا بصری کهکشان گوتنبرگ مک لوهان را شرح دهید؟
- ۴- دوره تمدن مبتنی بر وسایل ارتباطی الکترونیک یا کهکشان مارکنی را توضیح دهید؟
- ۵- نظریه امتداد مک لوهان را توضیح دهید؟
- ۶- مراحل سه گانه متوالی زندگی اجتماعی از دیدگاه مک لوهان را شرح دهید؟